

کسی با این شرایط کشتی نمی‌گیرد!



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

هفته پیش از شبکه خبر صداوسیما برای حضور در یک برنامه به قصد مصاحبه در سراسر اوضاع خاورمیانه تماس گرفتند. با آنکه در این وضعیت، بسیار علاقه‌مندم که به نحوی نظراتم را از یک تریبون عمومی برای مردم بیان کنم، اما از حضور در شبکه خبر عذر خواستم و گفتم که حضور به‌صالح نیست. پرسیدند چرا به صالح نیست؟ پاسخ این بود که نظرات من با سیاست رسمی فاصله بسیاری دارد و طرح آنها در برنامه، مایه شرم می‌شود!

این بهانه وارد کردند و گفتند که از قضا تمایل شان به طرح نظرات انتقادی من به وضع موجود است و اصرار کردند که این فرصت را از مخاطبان آنها دریغ نذارم. گفتم: این دم‌و‌دستگاه اعتباری ندارد! یک نهاد رسمی دیگر رنگ می‌زند و به دلیل بیان مطالبی مشابه، به بدترین شکل ممکن تهدید می‌کند!

از این جهت حق را به من دادند اما اصرار کردند که سردبیر برنامه حاضر است در این باره اطمینان دهد که مشکلی پیش نخواهد آمد! نهایتاً نپذیرفتم و داستان یک شهر و صدکلاتر را برای شان مثال آوردم. ظاهراً صداوسیما به دلایلی از جمله شاید افت مخاطب و یا نمایش سطحی از تکثر فکری در جامعه، اجازه یافته است تا در برخی اوقات خاص، از بعضی منتقدان و مخالفان مسالمت‌جو بسری حضور در

برنامه‌های زنده دعوت به عمل آورد، اما از آنچه که هنوز حد‌مشخصی از آزادی بیان در کشور نهب‌دیده نشده است، برای مدعوین گرفتاری تولید می‌شود. در واقع همه ما می‌دانیم که آزادی بیان در جمهوری اسلامی خط قرمزهای بسیار پررنگی دارد، اما این خط قرمزها تعریف قانونی مشخصی پیدا نکرده و عمدتاً براساس سلیق و حساسیت نهادهای مختلف قبض و بسط پیدا می‌کند. در حقیقت، اظهارنظر و اموری از جنس حرف و صحبت نباید جنبه مجرمانه داشته باشد. شاید به این قاعده بتوان دو یا سه تبصره هم زد که قانون به‌طور واضح و روشن باید حدود و ثغور آن تبصره‌ها را مشخص و روال رسیدگی منصفانه و علنی به آنها را روشن کند. بدون ضمانت قانونی برای آزادی اظهارنظر، اصولاً تضارب آراء و افکار امری مهم است و به فرض هم که با سطحی از آن موافقت شود جنبه نمایشی و تکلف‌آمیز به خود می‌گیرد.

اینکه پس از یک مناظره یا حتی مصاحبه‌ای در صداوسیما، علیه طرف مصاحبه‌شونده اعلام جرم شود، به‌طور طبیعی امنیت روانی افراد جامعه را به هم می‌زند و نیروهای مستقل را از حضور در برنامه‌ها پشیمان می‌کند. کسی که در دفاع از سیاست رسمی مناظره یا مصاحبه می‌کند فرض بر این است که از توانایی و مهارت لازم برای پاسخ به طرف منتقد و یا مخالف برخوردار است و همان‌جا جواب طرف را می‌دهد. اگر مناظره کننده یا مصاحبه‌گر نتواند جواب لازم و اقناع کننده را بدهد، کشاندن ماجرا به دادسرا و دادگاه، فقط ضعف سیاست رسمی را به نمایش می‌گذارد. درست مثل کسی که دعوی کشتی گرفتن با دیگران را داشته باشد و چون در کشتی شکست بخورد، فوری برادر پرزورش وارد عمل شود تا حال طرف را بگیرد! قاعداً هیچ فرد عاقلی با این شرایط کشتی نمی‌گیرد!

تاد آمریکایی و دو گمانه



شیلای سیف‌الدینی
دکتوری روابط بین‌الملل

در خبرها آمده که آمریکا سامانه ضد موشکی تاد را در اسرائیل مستقر خواهد کرد. پس از حمله موشکی ایران تحت عنوان «عملیات وعده صادق ۲» و عبور موشک‌ها از گنبد آهنین، اسرائیل به فکر استقرار این سامانه در خاک خود افتاد. ۱۲ روز از این حمله گذشت و هنوز اسرائیل عکس‌العملی بدان نداشته است؛ هر چند از حمله‌ای غافلگیرکننده و سنگین صحبت به میان آورده است. در این بین، گمانه و احتمال بده‌بستان و معامله بین جو بایدن و بنیامین نتانیاهو دور از ذهن نخواهد بود: «استقرار احتمالی سامانه دفاعی تاد و تقویت تسلیحات نظامی اسرائیل در مقابل عدم حمله گسترده و سنگین به ایران». البته این بدان معنی نیست که اسرائیل از حمله‌ای محدود صرف‌نظر کند. گمانه دوم این است که اسرائیل حمله و ضربه سنگینی به ایران خواهد زد که ایران نیز در صد تلافی بر خواهد آمد و نیاز به سامانه ضد موشکی بیش از پیش در اسرائیل احساس می‌شود. این در حالی است که دیروز نتانیاهو به‌بانه

سپر انسانی حزب‌الله از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل خواست از منطقه جنوب لبنان خارج شوند و این دال بر ادامه حملات در جنوب لبنان و جنگی فرسایشی در لبنان به‌رغم مقررات بین‌المللی است. بعد از تماس تلفنی بایدن و نتانیاهو و مخالفت آمریکا با این تاسیسات هسته‌ای و نفتی ایران، فعلاً اسرائیل واکنشی نشان نداده است؛ حزب دموکرات می‌داند حمله به تاسیسات نفتی ایران و بالا رفتن قیمت نفت و به تبع آن بنزین، کسب برای این حزب را سخت و سبب رأی ترامپ را سنگین خواهد کرد. چنانچه بایدن به اوکراین نیز هشدارهایی مبنی بر عدم حمله به پایگاه‌های روسیه به دلیل کاهش عرضه و بالا بردن قیمت بنزین داده بود. بنابراین، منافع آمریکا و حزب دموکرات در عدم حمله اسرائیل به ایران و تنش‌زدایی است و ترجیح آن بیشتر بر جنگ فرسایشی در جنوب لبنان تا قبل از انتخابات آمریکاست. اما اینکه نتانیاهو و کابینه او تا چه حد به حمله‌ای محدود به ایران در ازای ستاندن سامانه دفاع موشکی تاد رضایت دهد و یا با حمله سخت، شرایط را برای آمدن ترامپ که با او همسوتر است، مهیا می‌کنند؛ زمان معین می‌کند. چنانچه با جمع آوری اسناد مبنی بر اطلاع ایران از حمله هفتم اکتبر و دست داشتن ایران در این حمله تلاش‌هایی را برای جلب افکار عمومی علیه ایران و پیش‌درآمدی بر موجه جلوه دادن حمله احتمالی به ایران انجام داده است.

حال باید دید معامله این سامانه جدید و پذیرش قطعنامه ۱۷۰۱ آتش‌بس را هم‌اوتر خواهد کرد یا این سامانه نابودکننده راه‌های دیپلماتیک خواهد بود و جنگی ویرانگر را رقم خواهد زد؟

با این حال، پاسخ موشکی ایران به اسرائیل تا حد زیادی این فضا سازی‌ها را کم‌رنگ کرد و روسیاهی را بر رخ زغال نشاناند. کار به جایی رسید که روزنامه تحت مدیریت علیرضا زاکانی که در اتحادی اعلام‌نشده با لیدرهای اصلی لشکر فجازی قرار دارد، جلد شماره دیروز خود را به حمایت مسعود پزشکیان، محمداقرفی و عباس عراقچی از «جبهه مقاومت» اختصاص داد و تصاویر آنان را در کنار اسماعیل قالی‌نشاناند. اما فراتر از این تحولات، آنچه در شرایط کنونی بیش از پیش جا دارد مورد توجه قرار گیرد، این است که «فاکتور خارجی پس از تحلیلی» را در معادلات تحلیلی و مطالبات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی خود لحاظ کنیم. توجه به این فاکتور، اتفاقاً برای هم‌راهان و حامیان دولت چهاردهم که خواست و مطالبه تغییر دارند، ضروری تر است. طبعاً، مطالباتی چون رفع فیلترینگ، پیوستن به FATF، مذاکره با قدرت‌های جهانی و آزادی‌های سیاسی و رسانه‌ای و نیز تسریع روند انتصابات و تغییرات عتادار در بدنه دولت از خواست‌ها و رویکردهای کلیدی نیروهای حامی تغییر است که روی کار آمدن پزشکیان، انتظارات بیشتری را برانگیخته است. همه این مطالبات و خواست‌ها به‌نوعی پایه‌های اصلی شعار و ایده «وقایع ملی» نیز هست و اتفاقاً در شرایط تهدید بیرونی جا دارد به آنها توجه شود. اما در عین حال، پرداختن به این خواست‌ها و تعقیب این مطالبات در قالب پارلی در یک صفحه بزرگ قابل تعریف و تصویر است. در شرایط کنونی، مسئله اصلی ایران «ثبات» و «انسجام» است و در این چارچوب، همه نیروهای سیاسی و اجتماعی مسئولیت دارند و جا دارد رویکردها و تحلیل‌ها و مواضع خود را با توجه به این مسئله اصلی اتخاذ کنند. «اصلی‌فرعی» کردن مسائل البته متوجه همه نیروهاست. از یک سو، طیفی که خود را ارزش‌گرا می‌نامد و دغدغه شاعر دینی را دارد، در این زمینه مسئول است و همچنان که بنیانگذار جمهوری اسلامی حفظ نظام سیاسی را «واجب و اجابت» می‌خواند و حتی تعطیل نماز و حج را بنا به ضرورت حکومت رومی دانست؛ دست کم در شرایط حاد کنونی، جا دارد در یابند

که انگشت نهادن بر مسائل فرعی و اختلافی چون اجرای قانون حجاب و جنگ انداختن به سر و صورت مردمان، بی‌معنا و مغایر بدیهیات حکومت و حکمت است. نیروهای سیاسی رادیکال تر اردوگاه راست نیز گرچه برخلاف ادعاهای «بصیرت» خود، کمتر نسبتی با بنیاد و درایت در سیاست دارند؛ اما در شرایط کنونی، از منظر قاعده بقا نیز که شده، جا دارد از بنزین ریختن بر آتش و طرح ایده‌ها و انتظاراتی که بیان آن با آنان است و مسئولیت و هزینه آن بر گرده ملت و دولت ایران دست بردارند و یا حاکمان و تصمیم‌گیرندگان، آنان را چندی به حاشیه برانند. اما در کنار راستگرایان سنتی و رادیکال، میانه‌روها، اصلاح‌طلبان و تغییرخواهان نیز مسئولیت دارند. مسئولیت این طیف آن است که مطالبات و خواست‌های خود را چنان که گفته شد، با لحاظ «فاکتور خارجی پس از تحلیلی» طرح و پیگیری کنند و هر سیاست و راهبردی را که پیش روی می‌نهند، این فاکتور کلان را نیز در آن ببینند. تغییر و اصلاح، شرط توسعه پایدار و ثبات بلندمدت دولت/ملت ایران است؛ اما در شرایط کنونی، طرح مطالبات اگر بی‌توجه به رکن ثبات و امنیت صورت گیرد و دولت و حاکمیت را که تحت فشار بیرونی است، از درون نیز زیر منگنه بزند؛ نسبتی با واقع‌بینی و مسئولیت سیاسی ندارد. حتی اگر وضعیت کنونی کشور را ناشی از اشتباه‌های راهبردی نظام سیاسی در حوزه سیاست خارجی و رویکرد تک‌پایه و امنیت‌محور آن دست کم در دو دهه گذشته بدانیم (که هست)، اما مقطع کنونی که هیولای جنگ دیگر از سایه درآمده و روی سویی ایران نهاده، جای گشودن زخم‌های کهنه و نش قهرهای فرسوده نیست. مسئولیت امروز، واقع‌بینی و نگاه جامع به مجموعه تحولات درونی و بیرونی است. اگر امروز نیز هر یک چون فیل مولوی تنها بخشی از اتفاق بزرگ را ببینیم و یکی از عاج و دیگری از خرطوم آن آویزیم؛ فردا دیگرانی خواهند آمد که بر بخشی‌نگری مان و منفعت‌طلبی مان خرده بگیرند. باشد که این بار کلان‌نگری و از دام «جامعه کوتاه‌مدت» به سلامت بگذریم.

بررسی واکنش ایران به گزارش‌های نیویورک تایمز و واشنگتن پست

تکذیب تماس با حماس قبل از هفت اکتبر

به او ارائه دهد یا خیر. «در قسمت دیگری می‌خوانیم: «صورت‌جلسات همچنین گزارش‌هایی از شکاف بین رهبری غزه حماس و رهبر سیاسی مستقر در قطر، هنیه را تضعیف می‌کند. صورت‌جلسات نشان می‌دهد که رهبران اطلاعات حساسی را با هنیه به اشتراک گذاشته‌اند، او را درباره «پروژه بزرگ» مطلع کرده‌اند و تصمیم گرفتند که از رهبری خارج از کشور حماس، تنها او باید از نشست‌هایی که الحیه امیدوار بود با حزب‌الله و ایران برگزار کند، مطلع شود. «صورت‌جلسات اوت - آخرین سندی که توسط نیویورک‌تایمز مشاهده شده است - گزارش می‌دهد که الحیه به فرمانده ارشد ایرانی، گفته است که حماس برای ضربه زدن به سایت‌های حساس در طول «ساعت اول» حمله به کمک نیاز خواهد داشت. «قسمت دیگری از گزارش، به عدم مشارکت ایران در حمله ۷ اکتبر می‌پردازد: «براساس این سند، آقای ایزدی گفت که حزب‌الله ایران در اصل از این طرح استقبال می‌کنند، اما آنها به‌زمان نیاز دارند تا «محیط را آماده کنند. «در نتیجه، رهبران حماس امیدوار بودند که متحده‌کنان آنها را «در معرض خطر» قرار ندهند، اما پذیرفتند که ممکن است نیاز باشد حمله را به تنهایی انجام دهند. دفتر آقای الحیه به درخواست‌های اظهارنظر پاسخ نداد، اما در مصاحبه‌ای با نیویورک‌تایمز در سال گذشته، او حمله اکتبر را به عنوان «بیک عمل بزرگ» توصیف کرد که «جهان را از خواب عمیق خود بیدار کرد. «در نهایت، ایران تا ماه‌ها پس از حمله حماس به طور مستقیم به اسرائیل حمله نکرد، و حزب‌الله تنها در ۸ اکتبر، پس از آنکه اسرائیل شروع به بازپس‌گیری کنترل مرزهای خود کرد، به کمک حماس آمد.

یک درخواست ۵۰۰ میلیون دلاری

گزارش واشنگتن‌پست به نام‌هایی اشاره می‌کند که آن‌ها مدعی هستند در سال ۲۰۲۱ به مقامات عالی سیاسی و نظامی ایران نوشته شدند. به طور خلاصه، در حداقل دو نامه ادعایی که واشنگتن‌پست می‌گوید از سوی یحیی سنوار رهبر فعلی حماس نوشته شده بود، این درخواست‌ها مطرح شده است: «کمک مالی برای حماس، مجموعاً ۵۰۰ میلیون دلار، که در اقساط ماهانه طی دو سال پرداخت می‌شود، و آموزش و تجهیزات ایرانی برای پشتیبانی از ۱۲۰۰۰ جنگجوی اضافی حماس.» در اسناد ادعایی، پاسخی از سوی ایران قید نشده است.

ایران نمی‌توانست در جریان ۷ اکتبر باشد

سیدهادی برهانی، استاد مطالعات اسرائیل دانشگاه تهران درباره احتمال انتشار این اسناد برای اعمال فشار بر ایران به هم‌میهن گفت: «بنابراین احتمال را از ذهن دور کنیم که ممکن است این اسناد، اساس درستی نداشته باشند. اگر به ۷ اکتبر سال گذشته برگردیم، شواهد و موضع‌گیری‌هایی حتی از سوی غربی‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی آن‌ها وجود دارد که بر بی‌خبری ایران از

مخمس صالحی خواه/گزارشگر هم‌میهن: دوروزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز و واشنگتن‌پست در گزارش‌هایی مدعی انتشار اسناد طبقه‌بندی شده حماس درباره عملیات ۷ اکتبر شدند: اسنادی که به گفته آنان، زائویه گذشته در جریان عملیات اسرائیل در خان‌یونس واقع در نوار غزه و از یک پناهگاه زیرزمینی حماس کشف شده است. این اسناد، درباره طراحی عملیاتی با اسم رمز «پروژه بزرگ» است؛ پروژه بزرگی که حالا یک سال پس از هفت اکتبر، مشخص شد که منظور آن حمله گسترده مقاومت فلسطین به سرزمین‌های اشغالی بوده است. در فضای رسانه‌ها، دو موضوع مرتبط با ایران در این اسناد ادعایی، مورد توجه قرار گرفت: «تلاش حماس برای جلب حمایت تهران از پروژه بزرگ به همراه درخواست ۵۰۰ میلیون دلاری یحیی سنوار از ایران.» سوالی که وجود دارد این است که چرا اسناد حدود یک‌سال بعد از کشف و در این برهه زمانی منتشر شدند و چرا بخش‌های مرتبط با ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفت. خلاصه کلام در این گزارش‌ها و اسنادی که مدعی کشف آن هستند، این است که حماس تلاش می‌کرد تا طرحی بزرگ را پیاده‌سازی کند و حزب‌الله و ایران را در جریان کلیت یک عملیات بزرگ قرار داده بود. یکی از اهداف ذکر شده در این گزارش، بر هم زدن روند عادی‌سازی روابط کشورهای خاورمیانه با اسرائیل است.

واکنش نمایندگی ایران: دروغ است

به گزارش ایرنا از نیویورک، نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد در پاسخ به دورس‌نامه آمریکایی نیویورک‌تایمز و وال‌استریت‌ژورنال درباره اسناد ادعایی، اعلام کرد: «در شرایطی که مسئولین حماس مستقر در دوحه اعلام کرده‌اند که آن‌ها هم اطلاعی از این عملیات نداشته‌اند و طراحی، تصمیم و مدیریت عملیات مزبور، صرفاً بر عهده شاخه نظامی حماس مستقر در غزه بوده است، هر نوع ادعایی که این عملیات را به ایران و یا حزب‌الله چه به‌صورت جزئی یا کلی مرتبط نمایند، فاقد اعتبار بوده و سندسازی تلقی می‌گردد.» این نمایندگی در پاسخ واشنگتن‌پست درباره درخواست ۵۰۰ میلیون دلاری ادعایی در این گزارش‌ها نیز اظهار داشت: «ما رژیم اسرائیل را یک رژیم جنایتکار ضدبشری و دروغگو می‌دانیم و اعتباری برای توهمات آن قائل نیستیم. آن‌ها سابقه طولانی دروغ‌پرگانی، سندسازی جعلی و عملیات روانی فریب‌دارند.»

تلاش برای جلب نظر متحدها

در بخشی از این اسناد ادعایی آمده است: «براساس صورت‌جلسات یک نشست در اوت ۲۰۲۲، معاون سنوار، خلیل الحیه، طرح را در ماه قبل با فرمانده ارشد ایرانی که در لبنان مستقر بود و به نظارت بر روابط تهران با گروه‌های مسلح فلسطینی کمک می‌کرد، مطرح کرد. آن صورت‌جلسات همچنین گفت که الحیه قصد داشت آن را با نصرالله، رهبر حزب‌الله، مطرح کند. دیدار با نصرالله به تعویق افتاد، و صورت‌جلسات نشست‌های بعدی روشن نمی‌کنند که آیا معاون حماس در نهایت توانست آن استدلال را به‌طور حضوری

بررسی حمایت برخی نمایندگان تهران از شهردار و حامیانش

تندروها علیه قالیبافی‌ها

درباره این مدح‌حاکت: «محمدباقر قالیبافی که دیروز با هواپیمای ایرباس در فرودگاه پردرد بیروت نشست همان محمدباقر قالیبافی اسفندماه ۱۴۰۲ است. محمدباقر قالیبافی که سینه سپر کرد و بر روی آواره‌های ضاحیه هل من مبارز نوینی طلبد، همان محمدباقر قالیبافی تیرماه ریاست جمهوری است. لذا در ۲۴ ساعت گذشته تغییر گفتاری را به خصوص در جریان سیاسی انقلابی دیدم که خواستم اشاره کنم. اما دیدم این تغییر گفتار و الفاظ انشالله‌برای رضای خدا باشد. البته هستند کسانی که هنوز زبان به گم‌گفتند و سکوت کردند. انشالله این سکوت آنها هم برای رضای خدا باشد.»

تسویه حساب‌های سیاسی در شورای شهر

در مقابل افرادی هم هستند که با نزدیک شدن به انتخابات شورای شهر و روستا بیشتر به دنبال تضعیف لیست منتسب به قالیبافی هستند. علی خضریان، نماینده تهران در مجلس و عضو جبهه پایداری بار دیگر با لحنی عجیب به حمایت از فردی پرداخته است: این بار به حمایت از علیرضا زاکانی، شهردار تهران پرداخت: آن‌هم در جلسه‌ای که به درخواست شهردار تهران با مجمع نمایندگان برگزار شده بود. در نشست با مدیران شهرداری، به منتقدان علیرضا زاکانی، شهردار تهران در شورای شهر تهران ناخت و گفت: «بعضی از رفتارها در شورای شهر تهران به جلوه خدمت‌رسانی مادر شهر تهران آسیب می‌زند. یعنی ممکن است من ۱۰ انتقاد به شهرداری تهران داشته باشم اما نباید محل و صحن شورای شهر تهران تبدیل به دعوای سیاسی باشد که حتماً آسیب آن به نیروهای انقلاب وارد می‌شود. خواهش من این است که تسویه حساب برای این موضوع شود و اگر نیاز است هیئت‌رئیس مجمع نمایندگان تهران جلسهای برگزار تا بتوانیم صحبت‌های این دوستان را هم بشنویم. نباید صحن شورای شهر تهران تبدیل به تسویه حساب‌های سیاسی شود.»